



«عملیات آژاکس» عنوانی است که از سوی طراحان کودتای ۲۸ مرداد برای سلسله‌برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات منتهی به این واقعه تلخ انتخاب شد. نتیجه این عملیات که پس از سرکوب شدید مردم به استقرار مجدد حکومت وابسته و استبدادی پهلوسی انجامید، تضمین‌کننده منافع بیکران اقتصادی و سیاسی آمریکا و انگلیس در ایران طی یک دوره ۲۵ ساله بود. هرچند درباره نقش آمریکا و انگلیس در طراحی و اجرای این کودتای سیاه، جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمانده و از آن تاریخ تاکنون در این باره بسیار سخن گفته شده است، اما اسناد انتشاریافته درباره این واقعه توسط سیا در سال ۲۰۰۰ میلادی، جزئیات بسیاری را در این باره بازگو کرده است. خوشبختانه گردآوری این اسناد در کتاب «عملیات آژاکس» امکان مطالعه و بررسی بهتر این مقطع از تاریخ کشورمان را به خوبی فراهم آورده است. کتاب «عملیات آژاکس» شامل دو بخش کلی است: در بخش اول اسناد «سیا» درباره کودتای ۲۸ مرداد در ۵ فصل تنظیم و ارائه شده است. در فصل نخست طرح مفصلنامی عملیات آژاکس، در فصل دوم طرح اجرایی این عملیات و در سومین فصل، گزارش «دونالد ن. ویلبر» را که خود مستقیماً در برنامه‌ریزی و اجرای این طرح مشارکت، داشته است می‌خوانیم. این گزارش در فصل اول توسط وی نوشته و به مقامات سیا ارائه شد تا ضمن ثبت تجربیات آمریکا در طراحی برنامه‌های کودتا، اسکان بهره‌برداری از آنها در عملیات مشابه نیز فراهم آید. در فصل چهارم و پنجم این بخش نیز می‌توان به ترتیب اسناد مربوط به طراحی بُعد نظامی عملیات و از زیبایی نظامی عملیات را

مورد مطالعه قرار داد. در بخش دوم این کتاب تجزیه و تحلیلی از وقایع مربوط به کودتای ۲۸ مرداد با توجه به اسناد انتشاریافته از سوی سیا آمده است که می‌تواند روشنگر برخی مسائل باشد.انتشار اسناد و مدارک مربوط به طراحی و اجرای عملیات آژاکس برای سرزنشگونی یک دولت قانونی و مستقل و جایگزینی آن با یک دولت دست‌نشانده، قبل از هر شباهتی به کودتای ۲۸ مرداد، از آن است که آمریکا از اینکه به‌عنوان یک نظام مداخله‌جو در امور داخلی دیگران

شناخته شود، هیچ ابایی ندارد و چه بسا نمایانند چنین چهره‌ای از خود را در جهت پیشبرد و تسریع برنامه‌ها و پروژه‌های استعمارگرانه خویش به شمار می‌آورد. در حقیقت، انتشار اسناد و مدارک مداخله آمریکا در امور کشورهای مختلف، می‌تواند به مرور زمان انجام چنین اقداماتی را توسط ایالات متحده نرسد، جوامع، عبادی جلوه دهد و حساسیت‌ها را نسبت به آن کم کند. از سوی دیگر، در بطن انتشار این اسناد، نوعی قدرتمندی‌نمایی نیز نهفته است و پیام‌های پید و پنهان بسیاری را برای دیگران در بردارد. ردپای این موضوع را گذشته از اسناد رسمی سیا، در بسیاری از فعالیت‌های تبلیغاتی و فرهنگی دستگاه‌های وابسته به‌نظام امپریالیستی آمریکااز جمله هالیوودنیز می‌توان مشاهده کرد. شاید بتوان چنین مدعی شد که تاکنون بیشترین و جذاب‌ترین فیلم‌هایی که پرده از توطئه‌گری‌های دستگاه حاکمه آمریکا در اقصی نقاط جهان برداشته و حتی گوشه‌هایی از جنایات و سرکوبگری در حق ملت‌های مظلوم را نیز به نمایش در آورده است، محصول دستگاه عظیم فیلمسازی هالیوود بوده است. هر چند ساخت و نمایش این فیلم‌ها ظاهراً در جهت افساسی حقایق پشت پرده و آگاهسازی افکار عمومی است، اما یک نوع کارکرد و تأثیر بسیار عمیق – و البته پنهان – در بطن چنین محصولاتی نهفته است که منافع آن به مراتب بیشتر از خسارات یا مضراتی است که بازگو کردن بخشی از حقایق می‌تواند برای نظام سیاسی آمریکا در برداشته باشد. البته در این زمینه باید توجه داشت که در چارچوب فعالیت‌ها و اقدامات فوق، همواره خطوط قرمزی رعایت می‌شود. به‌عنوان نمونه، اگرچه اسناد مربوط به کودتای ۲۸ مرداد پس از گذشت حدود ۵۰ سال از آن واقعه انتشار می‌یابند اما همچنان افساسی اسامی برخی اشخاص و مهره‌های خاص به مصلحت دیده نشده است. این اقدام چند دلیل می‌تواند داشته باشد؛ نخست آنکه احتمالاً افراد مزبور در جایگاه و موقعیتی قرار داشته‌اند که دستگاه اطلاعاتی آمریکا افشای نام آنها را باعث به مخاطره افتادن روش‌ها و تکنیک‌های نفوذ خود در لایه‌های مختلف اداری، نظامی و فرهنگی دیگر کشورها می‌داند. دیگر اینکه عدم تأثیر مربوط به برخی عوامل کاملاً پنهان در گذشته، باعث به وجود آمدن این اطمینان خاطر در میان عوامل کنونی آنها می‌شود که در چارچوب خراج شدن پارای از اسناد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس، هر گز نام و نشان آنها افشا نخواهد شد و



بویژه گزارش ویلبر (که بخش اعظم این اسناد را تشکیل می‌دهد) نکات بسیاری را می‌توان مورد تأمل قرار داد و نگاهی محققانه و موşkافانه به ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی انداخت. در این زمینه نخستین مسأله‌ای که جلب توجه می‌کند، ضعف شخصیت محمدرضا پهلوی است. طراحان عملیات توجه خاصی به این نکته دارند؛ چرا که در طرح مزبور، «شاه» نقش ویژه‌ای را برعهده دارد و چنانچه به دلیل ترس یا تزلزل اراده، با آنها همراهی نکند، امکان موفقیت طرح بشدت کاهش می‌یابد؛ بنابراین از نظر طراحان کودتا، اولین و مهم‌ترین گام در اجرای این طرح، از بین بردن ترس و وحشت محمدرضا از «انگلیس» بود. «در مرحله اول باید شاه را درباره هدف مشترک انگلیس و آمریکا متقاعد ساخت و ترس وی را از توطئه بریتانیا ضد خود او از بین برد.»(ص۱) در واقع محمدرضا با توجه به تجربه آوردن و بردن پدرش توسط انگلیس‌ها، از این مسأله بشدت نگران بود که طرح مزبور، توطئه‌ای علیه خودوی باشد. بی‌تردید چنانچه انگلیس به تنهایی قصد اجرای این طرح را داشت، محمدرضا به دلیل همین ترس ریشه‌دار خود از سیاستمداران انگلیسی، به هیچ وجه حاضر به ایفای نقش در طرح مورد نظر آنها نمی‌شد و لذا باید گفت آنچه توانست به حل این مسأله بپردازد، مشارکت آمریکا در طرح مزبور بود. در همین جا باید این نکته را متذکر شد که اگرچه محمدرضا پهلوی و محمد مصدق در این مقطع به دو نیروی مقابل یکدیگر بدل شده بودند اما در یک مسأله با یکدیگر نظرمنظر کاملاً مشترکی داشتند و آن خوشبینی به آمریکا بود، اما این خوشبینی مشترک، دو نتیجه کاملاً متفاوت برای آنها به بار آورد، برای یکی ادامه یک سلطنت وابسته و سرکوبگر و برای دیگری سقوط و حبس و تبعید مادام‌العمر. اما برخلاف شاه، اشرف خواهر دوقلوی وی جسور و بی‌پروا بود و لذا از تمامی ظرفیت‌های شخصیتی وی برای به ثمر رسیدن کودتا استفاده شد. اتفاقاً به خاطر نقشی که وی در این

برهه از زمان ایفا کرد، در طول سال‌های بعد توانست به صورت یکی از عناصر بسیار پرنفوذ دربار درآید؛ به طوری که حتی محمدرضا نیز به خود اجازه نمی‌داد کوچک‌ترین دخالتی در عملکردهای مفسده‌انگیزش در زمینه‌های اقتصادی، اخلاقی و حتی سیاسی بکند؛ «شاه برای ایفای نقش خود به آمادگی ویژه‌ای نیاز دارد. طبیعی است انسانی که از هر سو با تریب و ترس احاطه شده، برای آنکه بتواند وظیفه خود را به انجام رساند باید تشویق شود… ما برای شاهدخت اشرف خواهر دوقلوی قدرتمند و مکار شاه، به‌عنوان فردی که می‌تواند شاه را برای ایفای نقش خود تشویق کند، اهمیت ویژه‌ای قائل هستیم. نقش شاه باید در سه مرحله اجرا شود. اشرف وی را در اجرای هر مرحله به طور کامل آماده خواهد ساخت. اولین گام، متقاعد ساختن شاه به این موضوع است که آمریکا و انگلیس هدفی مشترک در ایران دارند. هم‌زمان باید ترس شاه را از «دست مخفی انگلیسی در ایران» برطرف ساخت. در مرحله دوم باید آنچه را آینده به ارمان خواهد آورد وی وی توضیح داد. مرحله سوم گرفتن تضمین خاصی از اوست.»(ص۱۹) به این ترتیب، این اشرف است که با یک مسافرت بسیار کوتاه و چندروزه به ایران– که حتی در ابتدا با ناراضیاتی شدید محمدرضا به دلیل ترس از عواقب این مسافرت مواجه می‌شود– اقداماتی بسیار اساسی صورت می‌دهد و راه را برای اجرای کودتا هموار می‌سازد: «اشرف در تاریخ یک‌سوم و پنجم ژوئیه به صورت یک مسافر عادی با هواپیمای وارد تهران شد. همان‌گونه که انتظار می‌رفت بازگشت غیرمجاز وی توفانی واقعی بر پا کرد، چرا که اشرف نه از خود شاه اجازه بازگشت خواسته بود و نه از دولت مصدق و هر دو از این بابت خشمگین بودند. شاه از دیدار با وی خودداری کرد و نیز نامه‌ای را که از طرف اشرف نوشته شده و از طریق آ.ا.ا. رئیس خنمه (کاخ) شاه برای او فرستاده بود، نپذیرفت… نامه مزبور حاکی از آن بود که ژنرال آمریکایی «شوارتسکف» در مأموریتی مشابه با آنچه اشرف به سبب آن به ایران آمده بود، برای دیدار با شاه عازم ایران خواهد شد. شاه از این خبر استقبال کرد و شامگاه بیست و نهم ژوئیه خواهرش را به حضور پذیرفت. جلسه دیدار با ناآرامی و جنبال آغاز شد اما با اشتی طرفین خاتمه یافت.اشرف روز بعد با هواپیمایه اروپا بازگشت.»(ص۶) به موازات این مسأله، اقدامات گسترده دیگری در دستور کار طراحان کودتا برای هرچه بیشتر برانگیختن نگرانی و اضطراب شخصیت‌های مذهبی و عموم جامعه نسبت به خطر کمونیسم و حاکمیت یافتن آن بر کشور و ریشه‌کنی دین و مذهب در این سرزمین، قرار می‌گیرد. این مسأله به صراحت در گزارش ویلبر به چشم می‌خورد: «عوامل سیابرای ترساندن و مضطرب ساختن رهبران مذهبی در تهران متوسل به تبلیغات سیاه شدند و تحت نام حزب توده اعلام کردند اگر رهبران مذهبی با مصدق مخالفت کنند، با مجازات سختی روبه‌رو خواهند شد. تهدیدهای تلفنی به اسم حزب توده صورت گرفت و یکی از چندین طرح پمب‌گذاری منازل رهبران مذهبی نیز اجرا شد.»(ص۷) این دو نمونه عملکرد به خوبی نشان می‌دهد در توطئه‌های استعماری علیه ایران، هیچ بخشی از جامعه مورد غفلت قرار نمی‌گیرد و از برجستگ‌ترین شخصیت‌های مذهبی و معقدترین لایه‌های اجتماعی تا وابسته‌ترین احزاب و گروه‌های سیاسی و دورترین اشخاص و اقشار از



دین و اعتقادات مذهبی، همگی مدنظر قرار می‌گیرند تا به گونه‌ای مطلوب در این چارچوب، مورد بهره‌برداری قرار گیرند. در کنار آن، بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای که از قدرت و کارآیی بالایی در شکل‌دهی به ذهنیت جامعه برخوردارند، اهمیت ویژه می‌یابد. این مسأله در اسناد انتشاریافته توسط سیا، کاملاً چشمگیر است و بی‌تردید باید گفت بدون برنامه‌ریزی برای در اختیار گرفتن این ابزار، هیچ

شناسی برای پیروزی طرح کودتا وجود نداشت. در این راستا، از چاپ کاریکاتور تا درج یادداشت‌ها و مقالات و گزارش‌های جهت‌دار، در دستور کار قرار می‌گیرد و البته نتایج دلخواه را نیز به بار می‌آورد اما گذشته از این‌گونه بهره‌برداری‌ها از مطبوعات که بیشتر متعارف بود، نوع دیگری از رسانه‌ها بهره‌برداری شد که شاید بتوان آن تحت عنوان «کارکردهای عملیاتی» این رسانه‌ها نام‌گذاری کرد. نخستین مورد از این نمونه نقشی است که رادیو بی‌بی‌سی برای اطمینان‌بخشی به شاه در این باره که اسدالله رشیدیان نماینده رسمی اپنلینچس سرویس در تهران است و سخنان او به منزله موضع رسمی دولت انگلستان، ایفا کرد: «در اول ماه اوت، دو روز پس از آنکه اشرف از ایران خارج شد، شاه پیام پخش‌شده از بی‌بی‌سی را که منظور از پخش آن مطمئن کردن شاه درباه این نکته بود که اسدالله رشیدیان سخنگوی رسمی دولت انگلستان است، شنیده بودند.»(ص۶۵) دومین «کارکرد عملیاتی» رسانه‌ای از سوی عوامل یک روزنامه خارجی که در داخل کشور فعال بودند، بلافاصله پس از شکست مرحله اول کودتا مشاهده می‌شود که تأثیر اساسی در پیشبرد مرحله دوم کودتا دارد: «خستین جایی که به فرمان شاه درباره انتصاب زاهدی اشاره شده بود، صفحات داخلی روزنامه پرتیزرا «کیهان» بود… دو خبرنگار روزنامه نیویورک‌تایمز در ساعت یازده صبح به شیرمان رفتند تا با زاهدی دیدار نمایند…(ادشیر زاهدی در خبرنگاران رشیدیان نماینده رسمی اپنلنتی را درباره انتصاب پدرش به نخست‌وزیری نشان داد و نهایتاً رونوشت‌هایی از این فرمان را در اختیار آنان گذاشت.»(ص۷۸) و در نهایت انتشار برنامه‌ریزی‌شده فرمان سلطنتی در چندین روزنامه در صبح روز ۲۸ مرداد، نقش مهمی در حرکت دسته‌های طرف‌دار شاه در برخی خیابان‌های تهران و سرانجام به ثمر رسیدن کودتا علیه دولت مصدق ایفا می‌کند. «… افرادی که سحرگاه روز نوزدهم [اوت] از خانه بیرون آمده بودند با متن تالیف یا کپی‌شده فرمان مزبور در روزنامه‌های «ستاره اسلام»، «جوانان»، «آرام»، «هرد آسیا»، «هلت ما» و روزنامه فرانسوی‌زبان «ژورنال تهران» روبه‌رو شدند. اندکی بعد در بامداد همان روز نخستین نسخ از هزاران روزنامه دیوارکوب که حاوی رونوشتی از فرمان (سلطنتی) و متن بیانیه زاهدی بودند در خیابان‌ها پدیدار شدند. تا ساعت ۹ بامداد، گروه‌های طرف‌دار شاه در حال تجمع در مقابل بازار بودند. آنان فقط نیازمند رهبری و هدایت بودند.»(صص۹۱–۹۰) به هر حال، شکی نیست که در طرح مشترک آمریکا و انگلیس برای تثبیت دوباره سلطه خود بر ایران ۲۸ مرداد ۳۲ و به‌تبعاً بردن منبع آن، دقت باستانه‌ای صورت گرفته بود تا از همه ابزارها و روش‌ها به نحو مطلوب بهره‌برداری به عمل آید، اما به‌رغم همه تمهیدات و تدابیر، این عملیات در گام نخستین خود با شکست سنگینی مواجه می‌شود: «در سفارت آمریکا، پرسنل پایگاه سیا ساعات‌های پراضطرابی را سبیزی کردند. جیب ارتشی که مجهز به دستگاه بی‌سیم بود از نیروها خواست به علت شکست عملیات به مقرهای خود بازگردند.»(ص۷۵) حتی برخی عوامل کودتاجی در صدد پناهندگی به سفارتخانه‌های خارجی برآمدند: «سرنگ… به پایگاه آمد و گفت اوضاع وخیم است و وی قصد رفتن به سفارت و پناهندگی دارد.»(ص۷۶) در همین حال دستورت خارج شدن کریمیت زرولت– فرمانده عملیات کودتا– از ایران نیز صادر می‌شود: «مدارظهر، پیامی به پایگاه ارسال شد مبنی بر اینکه زرولت به منظور حفظ جان خود باید هرچه سریع‌تر ایران را ترک کند و سپس به دلیل بدنشاسی پیش‌آمده ابراز تأسفقت شده بود.»(ص۸۵) و نهایتاً اینکه دستور لغت عملیات نیز صادر شد: «هر ستاد و

رؤسا و کارکنان آن، روزی آنکده از سفارتی می‌توانست نامیدی‌گدشت. به هنگام ظهر اشرف از افرادی مشغول تنظیم پیش‌نویس پیامی بودند که لغو عملیات را اعلام می‌کرد. پیام مزبور که سرانجام شانگاه همان روز ارسال شد، بر موضع محتاطانه وزارت خارجه آمریکا، موضع انگلستان و موضع ستاد مبتنی بود که به ترتیب اعلام کردند: عملیات آژومده شده و با شکست مواجه گردید–

لازم است در این باره که نمی‌توانیم مبارزه را ادامه دهیم، ابراز تأسفقت نماییم– با توجه به اینکه از سوسی زرولت و هندرسن توصیه‌های شایان توجهی در مخالفت با این تصمیم به عمل نیامده، عملیات ضدمصدق می‌باید متوقف شود.»(ص۹۰) بنابراین اگرچه در طرح کودتا، پیش‌بینی‌هایی نیز مبنی بر دخالت تیرپه‌های مستقر در کرمانشاه و اصفهان در حمایت از کودتاچیان در صورت شکست، شده بود، اما با توجه به عمق شکست و نامیدی طراحان کودتا و سرانجام صدور دستور توقف عملیات از سوی مقامات عالیه آمریکایی و انگلیسی، چنانچه عملکردهای مدیرانه‌تری از سوی نیروهای مقابل کودتا صورت می‌گرفت، امکان آنکه تاریخ کشور ما به گونه‌ای دیگر رقم بخورد، چندان بعید نبود. در این زمینه قبل از هر چیز، توجه به تصمیمات و عملکردهای مصدق در این برهه حساس، ضرورت دارد. همان‌گونه که پیش از این عنوان شد، وی با نگاه خوشبینانه‌ای که به آمریکاداشت، آن دولت را به مثابه تکیه‌گاهی در مقابل انگلیس مورد لحاظ قرار می‌داد و در آن مقطع هرگز تصور نمی‌کرد آمریکا، خود عامل اصلی این توطئه بزرگ باشد. مصدق سال‌ها بعد در خاطرات خویش، به نقل از روزنامه «فیگارو» (۲۰ سپتامبر ۱۹۵۵) از تشکیل جلسهای در یکی از پایگاههای آلپ سوئیس که طی آن تصمیماتی برای سرنگونی وی گرفته شده‌است، یاد می‌کند و توافق آمریکا را برای حضور در این نقشه به بهای دریافت سهمی از نفت ایران مورد تأکید قرار می‌دهد. (خاطرات و تألمات محض، انتشارات علمی، ص ۱۹۴) تاریخی که در این مقاله فیگارو برای جلسه مزبور قید شده ۲۰ مردماه ۳۲، یعنی تنها چند روز قبل از انجام

کودتاست، حال آنکه طبق گزارش ویلبر، آمریکا از اواخر سال ۳۱ بی‌ریزی طرحی را برای به سقوط کشاندن دولت مصدق آغاز کرد: «زمانی که مشخص شد بقای دولت مصدق در قدرت، منافع آمریکا را تأمین نمی‌کند و این موضوع وزیر امور خارجه آمریکا در مارس ۱۹۵۳ به سازمان سیا اطلاع داد، سیا اقدام به تهیه پیش‌نویس طرحی کرد که اهداف یادشده را با اجرای عملیات مخفی محقق می‌ساخت و سقوط

مروری بر جزئیات کودتای آمریکایی – انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

عملیات نفتی آژاکس!

- مسعود رضایی

دولت مصدق را امکان‌پذیر می‌نمود.»(ص۳۶) به این ترتیب بی‌توجهی به این مسأله باعث می‌شد آمریکا از آزادی عمل نسبتاً خوبی در اجرای طرح موردنظر خود برخوردار باشد. از سوی دیگر ممانعت مصدق با حزب توده زمینه‌های حضور گسترده و فعال این حزب را در صحنه سیاسی کشور فراهم آورده بود و این اتفاقاً همان چیزی بود که طراحان کودتا بشدت مشتاق آن بودند. در این زمینه بویژه عملکردهای طرفداران این حزب در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۷ مرداد، بهترین زمینه را برای اجرای مرحله دوم کودتا فراهم ساخت. طرح شعار «جمهوری دمکراتیک» که کاملاً الگوپرداری‌شده از حکومت‌های وابسته اروپای شرقی و تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بود، از جمله بزرگ‌ترین خطاهای حزب توده در این مقطع زمانی به شمار می‌آید چرا که دقیقاً تصویر یکی از اعضای بلوک کمونیسم را در اندان قاطبه مردم و رجال سیاسی و مذهبی، حک می‌کرد. این در حالی بود که دست‌های پنهان کودتاچیان با به صحنه آوردن افرادی تحت عنوان توده‌ای و حمله به اماکن مختلف، به رعب و وحشت مردم از قدرت‌گیری حزب توده در کشور لامن زدند: «عصر آن روز، دسته‌هایی را با نام و با ظاهر توده‌ای‌ها در خیابان‌ها به راه انداخته بود. این دسته‌ها دستور گرفته بودند هرگاه ممکن شود در خیابان‌های لاله‌زار و امیریه، شیشه‌های مغازه‌ها را شکسته و آنها را غارت کنند و کاملاً چنین‌انگیزند تا این اقدامات و عملیات از سوی حزب توده است.»(ص۸۹) نکته مهم دیگر، بی‌دقتی و حتی سهل‌انگاری مصدق در چپش نیروها و مسؤولان قوای نظامی و انتظامی است که طبعاً در نحوه مقابله با کودتا و سرکوب عوامل اصلی آن نقش بسزایی داشت. البته وضعیت بسیار دشوار آن مقطع را برای مصدق نباید از نظر دور داشت. این یک واقعیت بود که در آن زمان امرای ارتش بیش از آنکه نسبت به نخست‌وزیر احساس وظیفه کنند، خود را در مقابل شاه، مسؤول می‌دانستند. البته این احساس مسؤولیت تنها زمانی به منصف ظهور می‌رسید که از پشتیبانی و حمایت آمریکا و انگلیس اطمینان خاطر می‌یافتند. مصدق در تشریح وضعیت خود در آن شرایط مسألتی را در خاطرات خود بیان داشته که قابل تأمل است: «هن قوه‌ای در اختیار نداشتم که در ظرف دو روز بتوانم اخلاکران را تعقیب کنم. اگر قوای انتظامی در اختیار من بود چرا که من از اسفندرتیس ستاد ارتش تمتد از کار کشیدم و تا پاسی بعدازظهر که در آن روز ارتش خواستم در کاخ سلطنتی به پسر می‌برد، چرا ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد که عده‌ای از سعادیاب با تانک و افراد مسلح برای دستگیری من و همکارانم حرکت نمودند و از همه جا گذشتند فرمانداری طهران ممانعت نکرد و حتی یک گزارش هم در این باب به من نداده بود. من با دستگامی کار می‌کردم که زیر نفوذ استعمار بود. پس از چند تغییر و تبدیل، سرتیپ افسرلطوس را در رأس اداره کل شهربانی گذاردم؛ شاید اصلاحاتی بکنند. او را از این برندن با آن همه بیانات و اقلیری که متهمان به قتل و در نوار ضبط صوت نمودند، همگی بدون استثنا در دادگاه نظامی تبرئه شدند و پرونده قتل او که با آن طسز قبیع از بین رفته بود، مختوم گردید.» (خاطرات و تألمات مصدق، انتشارات علمی، صص ۲۲۲–۲۷۱) مسلمانان اظهارات مصدق را باید به‌عنوان بخشی از وقایعات آن زمان پذیرفت و به شرایطی که وی ناچار از فعالیت در آن بود، توجه کافی نمود، اما اینها تنها واقعیت نیست. به‌عنوان نمونه، درباره برخورد با عوامل حزب توده که عملکرد پیش از آن چنین دستوری را دریافت می‌داشت قادر به جلوگیری از عملکرد توده‌ای‌های واقعی و همچنین توده‌ای‌های ساختگی بود. درباره

اشرف در تاریخ بیست و پنجم ژوئیه به صورت یک مسافر عادی با هواپیمای وارد تهران شد. همان‌گونه که انتظار می‌رفت بازگشت غیرمجاز وی توفانی واقعی برپا کرد، چرا که اشرف نه از خود شاه اجازه بازگشت خواسته بود و نه از دولت مصدق و هر دو از این بابت خشمگین بودند